

جایگزین‌های شرعی برای معاملات ربوی: گامی به سوی بانکداری اسلامی

احمدعلی رضایی

کارشناس ارشد علوم اقتصادی

Rezai.ahmadali66@gmail.com

بانک‌ها به‌طور کلی از مهم‌ترین و بزرگترین مؤسسات مالی در جهان هستند. بانک‌ها در حمایت از فعالیت‌های تجاری در بازارهای اقتصادی و در رشد اقتصادی اعم از تجارت، صنعت، کشاورزی، شغل‌ها و حرفه‌ها و ... نقش اساسی دارند. بانک‌ها در ارائه انواع خدمات و تسهیلات برای مشتریان نیز نقش اساسی دارند و خدمات و تسهیلات بانکی برای تحقق اهداف مالی، هر روز بیشتر و پیشرفته‌تر می‌شود. در این راستا، در این مطالعه تلاش می‌شود که جایگزین‌هایی برای این موضوع پیدا شود تا از سویی با شریعت اسلام سازگاری داشته باشد و از سوی دیگر بتوان خدمات بانکی را از منظر شریعت و فقه به‌دست آورد؛ بدون اینکه از فعالیت‌های اقتصادی و تجاری بانک و محقق ساختن اهداف مورد نظر آن چیزی کاسته شود.

واژه‌های کلیدی: معاملات ربوی، بانکداری سنتی، بانکداری اسلامی.

۱. مقدمه

بانک به‌عنوان قلب تپنده مناسبات پولی و اعتباری، نقشی مهم در کیفیت روابط و شاخص‌های اقتصادی بر عهده دارد. از این رو تطبیق روش‌های آن با اصول اسلامی، در واقع به‌معنای انطباق راهکارهای بازتوزیع منابع مالی و سیاست‌های پولی با قواعد الهی است که در نهایت به اسلامی‌تر شدن هرچه بیشتر روابط و مناسبات اقتصادی، اخلاقی و اجتماعی مردم می‌انجامد یا در نقطه مقابل به اضمحلال بنیان‌های اقتصادی و سپس اجتماعی و اخلاقی منجر می‌شود. ناظر بر این مسائل و اهمیت غیرقابل انکار نظام بانکی، با فاصله زمانی اندکی از پیروزی انقلاب اسلامی اجرای عملیات بانکداری اسلامی در کشور به‌عنوان یک ضرورت مطرح و از سوی مدیران و مسئولان انقلاب پیگیری شد و سرانجام در ۱۰ شهریور ۱۳۶۲ به تدوین و تصویب قانون عملیات بانکی بدون ربا انجامید که هنوز هم به‌عنوان یکی از قوانین ما در نظام بانکی مورد استناد و اجراست. شایان ذکر است در صورتی که عقود شرعی بانکی بین اشخاص حقیقی اجرا شود، با رعایت شرایط صحیح و حلال است و فرقی بین بانک و شخصیت‌های حقیقی وجود ندارد.

بانک‌ها سپرده‌ها و منابع دریافتی را در سه گروه مبتنی بر تعهد، شرکت و بیع به کار می‌گیرند.

- مضاربه، مساقات، مزارعه، جعاله و اجاره به شرط تملیک بر پایه تعهد یک خدمت
- مشارکت مدنی، مشارکت حقوقی و سرمایه‌گذاری مستقیم بر پایه شرکت
- خرید دین، فروش اقساطی، سلف و سلم بر پایه بیع

برخی از این معاملات، عقود با بازدهی ثابت هستند (فروش اقساطی، خرید دین، اجاره به شرط تملیک). در این عقود پیش از انجام معامله سود بانک معلوم است و تحولات آنی اقتصادی و تغییرات وضع بازار مورد نظر، ارتباطی به سود و مطالبات بانک ندارد.

عقود با بازدهی ثابت حلالند اما ماهیتی نزدیک به ربا دارند و اگر بخواهند از ربا فاصله بگیرند، لازم است بانک همچون یک تاجر حقیقی اقدام به تأسیس فروشگاه‌های بزرگ کرده و انواع کالاهای مصرفی و سرمایه‌ای را به صورت عمده و نقد خریده و به شکل نسیه اقساطی و ... به متقاضیان بفروشد و به تمام تحولات اقتصادی ملزم باشد. روشن است که این کار از بانک ساخته نیست، در نتیجه خرید و فروش بانک در حد خرید و فروش روی کاغذ خواهد بود که در آن بانک تنها به سود خود توجه دارد و در قبال تحول واقعی تعهدی ندارد.

پیامبر اکرم (ص) نیز پس از تحریم ربا می‌توانستند روی این عقود تکیه نمایند، اما مردم را به سوی عقود مشارکتی هدایت می‌فرمود. برای مثال، پس از هجرت مسلمانان از مکه به مدینه آنان را به عقد مزارعه و مساقات با مسلمانان مدینه، که صاحب زمین بودند، در فعالیت‌های اقتصادی شریک کردند یا پس از فتح خیبر و شکست یهود، علی‌رغم احتمال بالای خیانت و گزارش خلاف واقع یهودیان، اراضی و باغ‌های خیبر را بر اساس عقد مزارعه و مساقات در اختیار یهودیان قرار دادند در حالی که می‌توانستند بسیار کم‌دردسرت‌تر، از طریق اجاره با آنان قرارداد ببندند و یا مشاهده می‌شود که در فعالیت‌های تجاری، با اینکه با خطرات مختلفی روبرو بودند و امکان بیع نسیه، اجیر شدن عامل و غیره وجود داشت؛ با این حال، حضرت به عقد مضاربه صاحب سرمایه با عامل تجاری سفارش می‌فرمودند و خودشان نیز پیش از بعثت با حضرت خدیجه چنین پیمانی بستند. بنابراین عقود اسلامی با بازدهی ثابت نیز شرعی هستند و فایده‌هایی نسبت به ربا دارند، اما مورد توصیه پیشوایان نبوده‌اند.

مشکل اصلی در این زمینه، در یکی از وظایف و خدمات اساسی بانک‌ها یعنی اعطای انواع وام‌های با بهره از سوی بانک به مشتریان است؛ این نوع خدمات از بزرگترین و بیشترین خدمات بانکی در جهان امروز است که از لحاظ شرعی با مشکل مواجه است. این مقاله درصدد است تا جایگزین‌های شرعی را برای این نوع از خدمات بانکی، یعنی قرض ربوی، ارائه دهد زیرا ربا در شرع مقدس به حکم صریح کتاب و سنت حرام شمرده شده و مانعی برای ارزش‌های دینی است.

مهم‌ترین نوع خدمات بانکی یعنی اعطای انواع وام‌ها با بهره که معادل با قرض ربوی است از سوی بانک به مشتریان در اسلام حرام شمرده شده است. در این زمینه فقهای اسلام به فکر جایگزین‌های شرعی هستند تا جای نظام بانکی سنتی ربوی را که مخالف شرع است بگیرد. از این طریق می‌توان در کشورهای اسلامی نظام بانکداری سنتی و ربوی را با جایگزین‌هایی که موافق شرع است عوض نمود. در ادامه به معرفی ربا و مسائل مربوط به آن و برخی جایگزین‌ها در این زمینه، طبق نظر حضرت آیت‌الله العظمی فیاض (دام‌ظله) پرداخته شده است.

۲. ربا از منظر لغت

ربا در لغت عرب دارای سه معنای زیادی، برتری و رشد می‌باشد که در اموال و ثروت به وجود می‌آید.

۲-۱. ربا در اصطلاح فقها

ربای حرام از نظر فقها دو نوع است. ربای معاوضه دو کالایی که با حجم یا وزن معامله می‌شوند و ربا در قرض‌ها؛ آن هنگام که بدهکار متعهد می‌شود هنگام پرداخت قرض، شرط اضافه‌ای را علاوه بر اصل قرض برای طلبکار انجام دهد. ربای حرام در فقه محدودتر از تعریف لغتی آن است. زیرا در فقه ربا گرفتن پدر از فرزندان و بالعکس، ربا گرفتن مسلمان از کافری که در پناه اسلام نیست و ربا گرفتن زن و شوهر از یکدیگر جایز است.

در احکام شرعی درباره انواع زیادی معاملات و قرض‌ها بحث می‌کنند. برخی از زیادی‌ها در متن قرارداد شرط شده‌اند و برخی از زیادی‌ها را خود بدهکار هنگام تصفیه بدهی، به عنوان حسن‌القضا پرداخت می‌نماید. همچنین برخی از زیادی‌ها به نفع قرض‌دهنده است؛ گاهی شرط زیادی به صلاح‌دید وام‌گیرندگان وضع می‌شود، به عنوان مثال می‌گویند وام باید در مناطق محروم سرمایه‌گذاری شود و گاهی شرط زیادی منافی را برای شخص ثالث دارد، برای مثال با شرط فوق آن‌ها امکان بهره‌مندی از تسهیلات بانکی را پیدا می‌کنند.

ربا حرام است و مرتکب آن مستحق تعزیر است، تعزیر حد معینی ندارد. موارد آن مختلف است و حد آن منوط به نظر حاکم شرع جامع‌الشرایط است که نزد او رباخواری ثابت شده است. البته اگر مسلمانی پول خود را به معامله مضاربه دهد، باید عمل او حمل بر صحت شود و نسبت رباخواری به وی جایز نیست. در حرمت ربا بین مؤسسات حقیقی و حقوقی و دولت و ... فرقی وجود ندارد، معامله حلال برای همه جایز و معامله ربوی حرام برای همه حرام است.

ربای حرام در معاملات و قرض‌ها انجام می‌شود:

۲-۱-۱. ربای حرام در معاملات

هنگامی که طرفین معامله (کالا و بها) از یک جنس باشند، جنسی که با پیمانانه یا وزن معامله می‌شود و یکی از طرفین تقاضای زیادی حجم یا وزن اضافه را داشته باشد، ربای معاوضه (=ربای معامله) پیش می‌آید. به عنوان مثال نمی‌توان سه لیتر شیر را با چهار لیتر شیر معاوضه کرد و یا سه کیلو گندم را به چهار کیلو گندم معامله کرد، اما با فرض اینکه گوسفندان بر اساس شمارش (معدودات) معامله می‌شوند و موزون نیستند؛ می‌توان سه عدد گوسفند چاق را با چهار عدد گوسفند لاغر معامله کرد. بنابراین خطر ربای معاملات در کالاهای پیمانانه‌ای و موزون است (مکیل = پیمانانه) و (موزون = بر اساس وزن).

در خصوص برخی کالاها که به یک ریشه برمی‌گردند، نظیر شیر و کره، به احتیاط حکم ربای حرام دارد؛ پس بهتر است در معاوضه آن‌ها نیز اگر با حجم یا وزن معامله می‌شوند یک طرف زیادی نداشته باشد. در تمام این موارد می‌توانید به قصد جدی، کره را به عنوان مثال به قیمت بفروشید و شیر را جداگانه به قیمت بخرید.

۲-۱-۲. ربای حرام در قرض‌ها

تعریف قرض: قرض قراردادی است که به موجب آن شخص مالی را از دیگری با ضمانت مالک می‌شود و پرداخت همان مال یا مثل یا قیمت آن را بر عهده می‌گیرد. قرارداد قرض احتیاج به پیشنهاد (ایجاب) و پذیرش (قبول) دارد و لازم نیست به زبان عربی باشد، بلکه به هر زبانی که دو طرف قرض گیرنده و قرض دهنده در آن لحاظ شوند صحیح است.

روش صحیح قرض دادن و ثبت دین و به‌ویژه دین حاصل از بیع؛ خداوند متعال در قرآن کریم فرموده است: "ای کسانی که ایمان آورده‌اید! هنگامی که بدهی مدت‌داری (به خاطر وام یا دادوستد) به یکدیگر پیدا کنید، آن را بنویسید و باید نویسنده‌ای از روی عدالت (سند را) در میان شما بنویسد و کسی که قدرت بر نویسندگی دارد، نباید از نوشتن - همان‌طور که خدا به او تعلیم داده - خودداری کند پس باید بنویسد و آن کس که حق بر عهده اوست باید املا کند و از خدا که پروردگار اوست بپرهیزد و چیزی را فروگذار ننماید و اگر کسی که حق بر ذمه اوست، سفیه (یا از نظر عقل) ضعیف (و مجنون) است، یا (به خاطر لال بودن) توانایی بر املا کردن ندارد، باید ولی او (به جای او) با رعایت عدالت املا کند و دو نفر از مردان (عادل) خود را (بر این حق) شاهد بگیرید و اگر دو مرد نبودند، یک مرد و دو زن از کسانی که مورد رضایت و اطمینان شما هستند انتخاب کنید (و این دو زن، باید با هم شاهد قرار گیرند) تا اگر یکی انحرافی یافت، دیگری به وی یادآوری کند. و شهود نباید به هنگامی که آن‌ها را (برای شهادت) دعوت می‌کنند، خودداری نمایند و از نوشتن

(بدهی خود) چه کوچک باشد یا بزرگ، ملول نشوید (هرچه باشد بنویسید) این، در نزد خدا به عدالت نزدیک‌تر و برای شهادت مستقیم‌تر و برای جلوگیری از تردید و شک (و نزاع و گفتگو) بهتر است، مگر اینکه دادوستد نقدی باشد که بین خود، دست‌به‌دست می‌کنید. در این صورت، گناهی بر شما نیست که آن را ننویسید. البته در خرید و فروش (نقدی) هم شاهد بگیرید! و نباید به نویسنده و شاهد (به خاطر حق‌گویی) زیانی برسد (و تحت فشار قرار گیرند) و اگر چنین کنید، از فرمان پروردگار خارج شده‌اید. از خدا پرهیزید و خداوند به شما تعلیم می‌دهد، خداوند به همه چیز داناست. بنابراین با توجه به موارد ارائه‌شده در فوق، بیش از گذشته می‌توان به حرمت ربا و مسائل مرتبط با آن پی برد. در ادامه به معرفی جایگزین‌های شرعی برای معاملات ربوی در سیستم سنتی بانکداری اشاره می‌شود.

۲-۲. جایگزین اول؛ عقد مضاربه

مضاربه از ضرب گرفته شده؛ (الضرب فی الارض) یعنی سیر و سفر در زمین. از آنجا که یکی از طرفین معامله (عامل) برای تحصیل سود به حرکت و تلاش می‌پردازد نام آن را از این کلمه اتخاذ کرده‌اند. وزن مفاعله دلالت بر تعامل طرفینی دارد. در اینجا اگرچه صاحب سرمایه به سیر نمی‌پردازد، اما مسبب آن است. وجوه و احتمالات دیگری نیز برای باب مفاعله بودن آن ذکر کرده‌اند. مضاربه در اصطلاح فقها عبارت است از عقدی که به موجب آن شخصی با سرمایه شخص دیگر به تجارت می‌پردازد و سود حاصل از آن میان آنها تقسیم می‌شود.

عقد مضاربه نخستین جایگزینی است که نظر دانشمندان اسلامی را در مباحث جایگزین بانکداری ربوی به خود جلب نموده است. این نظریه در برخی از بانک‌های اسلامی موفقیت بزرگی را به دست آورده و موفقیت آن نیازمند بررسی چند نکته است:

نخست؛ عقد مضاربه در اصطلاح فقه اسلامی، عقد مخصوص مالک یا صاحب سرمایه و عامل یا صاحب کار است. صاحب سرمایه با عامل به این صورت عقد تجارت می‌بندند که سرمایه از من و کار از شما و سود هر کدام، به نسبت درصدی معین می‌گردد. اغلب اجرای عقد بین مالک و عامل به صورت مستقیم صورت می‌گیرد، اما گاه شخص سومی بین آنها واسطه می‌شود و عقد مضاربه را با وکالت از سوی صاحب سرمایه با عامل اجرا می‌کند. در این بین، واسطه بانک است که از سوی سپرده‌گذار وکیل می‌شود تا اموالش را طی عقد مضاربه با شرایط خاص به کارگزاران واگذار نماید و سهم هر یک را از سود حاصله، با درصد معین مشخص کند.

دوم؛ موفقیت عقد مضاربه به‌عنوان یک گزینه جایگزین برای نظام سنتی ربوی در توسعه اقتصادی، صنعتی، کشاورزی و ... از سویی وابسته به تقویت امانت‌داری و وثوق بین مالک، عامل و واسطه است و از سوی دیگر وابسته به از بین بردن موانع در حین به‌کارگیری مضاربه منوط به تحقق شرایط تضمینی بین اعضای سه‌گانه (مالک، عامل و واسطه) است.

سوم؛ بانک‌ها همانگونه که از سوی سپرده‌گذاران در انعقاد قرارداد مضاربه وکیلند، در راه‌اندازی شرکت به‌صورت مشاع از سوی آن‌ها نیز وکیل هستند؛ بنابراین، بانک‌ها از مجموع سپرده‌ها اقدام به انعقاد قرارداد مضاربه می‌کنند و سرمایه در همان عقد مضاربه بین همه سپرده‌گذاران مشترک است و این امر موجب تقویت اطمینان بین سپرده‌گذاران در موفقیت مضاربه و کاهش زیان‌ها و خطرات احتمالی می‌شود؛ زیرا احتمال زیان در مثل این قراردادها معمولاً غیرمحتمل است.

به‌عبارت دیگر سپرده هر سپرده‌گذار هرچند در تملک صاحب خود باقی است و به تملک بانک درنیامده، همانگونه که در بانک ربوی چنین است، بجز اینکه این سرمایه شخص، جدا از سرمایه و سپرده‌های دیگران نیست، بلکه بانک به‌خاطر اینکه از سوی همه صاحبان سرمایه وکالت دارد؛ بنابراین اقدام به تصرف شرعی می‌کند، به این صورت که همه سپرده‌ها را به‌صورت مشاع در تملک سپرده‌گذارها قرار می‌دهد و در نتیجه سهم هر یک از سپرده‌گذارها از مجموع سرمایه به‌اندازه سپرده خودش می‌باشد و سرمایه همه مضاربه بین همه، به نسبت سپرده‌هایشان تقسیم می‌شود.

چهارم؛ سپرده‌هایی که در بانک‌های ربوی گذاشته می‌شود از آنجایی که به‌معنای فقهی در واقع ودیعه نیست بلکه قرض است، تضمین شده است؛ بنابراین قرض به مثال آن در ذمه ضامن است. به این دلیل مبلغی را که سپرده‌گذار علاوه بر سپرده‌اش از بانک تقاضا می‌کند، بهره‌های مازاد بر قرض است، اما در بانک بدون ربا چون سپرده‌ها به‌معنای فقهی ودیعه است و در ملک صاحبان خود باقی است، از این ناحیه تضمین شده نیست، اما بانک به‌خاطر تقویت اطمینان سپرده‌گذارها به نظام اسلامی، می‌تواند قیمت کامل ودیعه را در صورت خسارت سرمایه تضمین کند و در این مورد هیچ مانعی وجود ندارد که بانک این تضمین را انجام دهد؛ زیرا بانک نقش واسطه را ایفا می‌کند نه نقش عامل را؛ تا ادعا شود که عامل در عقد مضاربه ضامن سرمایه نیست. در این مورد از ضمانت بانک این است که بانک متعهد می‌شود در صورتی که سرمایه سپرده‌گذار بدون تفریط و تقصیر از سوی عامل تلف شود و دچار خسارت گردد، بانک ضامن خسارت وارده است.

پنجم؛ نسبت سودی که بانک بدون ربا، به‌خاطر سرمایه‌گذاری سپرده‌های مشتریان خود را با قرارداد مضاربه با سرمایه‌گذاران و عاملان با شرایطی که بیان شد می‌پردازد، به‌مراتب بیش از سودی

است که بانک ربوی به مشتریان خود می‌پردازد؛ به‌ویژه زمانی که شرایط اقتصادی جهانی و محلی در رشد و بهبود پیوسته قرار داشته باشد. روشن است که این امر از عوامل مهم در جلب مردم جهت سرمایه‌گذاری پول‌هایشان در بانک بدون رباست و عامل دیگر، عامل دینی است که فرد متدین دوست دارد درآمد حلال داشته باشد و ربا و حرام در مالش راه نیابد.

گاهی ممکن است این پرسش مطرح شود که بین عقد مضاربه در بانک اسلامی و بین قرض ربوی در بانک سنتی تفاوت وجود دارد؛ زیرا سود قرض ربوی در بانک‌های سنتی ۱۰۰ درصد تضمینی است در حالی که سود عقد مضاربه در بانک‌های اسلامی ۱۰۰ درصد تضمینی نیست زیرا در نهایت نمی‌توان احتمال ضرر و زیان را در عقد مضاربه نفی کرد؛ هرچند نوسانات شرایط بازار به‌نفع عقود مضاربه باشد؛ زیرا در عقود مضاربه احتمال خسارت را به‌خاطر اسباب غیرمنتظره نمی‌توان از بین برد. بر این اساس آیا مردم رغبت نشان نمی‌دهند تا سرمایه خود را در بانک‌های اسلامی بدون ربا بگذارند، در حالی که علاقمند بودند سرمایه خود را در بانک‌های سنتی بگذارند؟ در پاسخ می‌توان گفت که بانک بدون ربا می‌تواند احتمال خسارت و ضرر در قراردادهای سرمایه‌گذاری را، به حساب احتمالات، تا حد صفر برساند؛ زیرا بانک بدون ربا عقد مضاربه را برای هر مشتری خود جداگانه منعقد نمی‌کند، بلکه بانک یاد شده اقدام به قراردادهای تجارتي متعدد در بخش‌های مختلف تجارتي با سرمایه مشترک مشتریان خود می‌کند که مثلاً کمتر از ۱۰۰ نفر نیست؛ بنابراین همه مشتریان در سرمایه هر قرارداد از این قراردادهای تجارتي به نسبت خاص شریکند و در پرتو این امر، هرچند احتمال خسارت در تمام این قراردادها وجود دارد، اما با شرایطی که برای عقد مضاربه بیان شد، سود ۱۰۰ درصد تضمینی است و چه بسا این سود، بسیار بیشتری از سودی باشد که از بانک‌های ربوی سنتی عاید می‌گردد، به‌ویژه زمانی که اوضاع بازار به‌طور مستمر در حال رشد و بهبودی قرار داشته باشد.

تا اینجا روشن شد که سود همانگونه که در بانک سنتی ربوی تضمینی است در بانک اسلامی بدون ربا نیز تضمینی است، بلکه گاه سود بانک بدون ربا برای اسلامی به‌مراتب بیشتر از سود بانک سنتی است. بنابراین می‌توان اشاره داشت که نقش بانک اسلامی کمتر از نقش بانک سنتی در رشد اقتصادی و فعالیت‌های پویای آن در عرصه تجارت و سرمایه‌گذاری در بازارهای مالی کشوری و جهانی نیست.

۲-۳. جایگزین دوم؛ عقد وکالت

وکالت عقدی است که به موجب آن یکی از طرفین طرف دیگر را برای انجام امری نایب خود می‌نماید. بانک به‌صرف اینکه از سوی سپرده‌گذارها در تصرف سپرده‌هایشان وکالت دارد تا برحسب آنچه که مصلحت می‌بیند تصرف کند؛ می‌تواند به‌جای اینکه به مشتریان خود از سپرده‌های موجود وام با بهره ربوی بدهد، اموالی به آن‌ها بدهد و آن‌ها جهت خرید نیازهای شخصی یا تجاری، صنعتی، کشاورزی و مانند آن‌ها وکیلند و پس از خرید و تسلیم شدن مال، آن مال را به قیمت مؤجل بفروشد که متضمن سودی باشد که کمتر از سود قرض ربوی نیست.

عملیاتی کردن این جایگزین در نظام بانکی به‌عنوان جایگزینی از معامله ربوی، مبتنی بر فراهم‌شدن امور زیر است:

- عنصر وثاقت و امانت در کارگر وکیل برای خرید باشد و یا شخص سومی سرمایه را ضمانت کند.
- بانک بر خرید نظارت کامل داشته باشد و از اوضاع بازار و نوسانات صعودی و نزولی قیمت جهانی، منطقه‌ای و منظره‌های بهبودی برای کالایی که کارگر می‌خواهد آن را از بازار خریداری نماید، اطلاعات کافی داشته باشد و آن را در اختیار کارگران خود قرار دهد.
- اگر شخص، تجربه و اطلاعات کافی راجع به خرید و شناخت اجناس و کالاهای ندارد، لازم است بانک همراه وی تعدادی اهل خبره در این زمینه را بفرستد و در این هنگام، یا خرید با مشورت و طبق نظر بانک صورت می‌گیرد یا شخص، خود اقدام به خرید کالاهای مورد نظر خود می‌نماید و سپس بانک کالاهای خریداری شده را به‌صورت مدت‌دار با سود بیشتر دوباره به آن شخص می‌فروشد.
- بانک می‌تواند به‌خاطر پرهیز از زیان‌های احتمالی و بالا رفتن ضریب اطمینان و امانت‌داری فرد، وکیل را به زمان و مکان معینی محدود ساخته، برای مثال از وی بخواهد از شرکت ویژه‌ای خریداری نمایند.

۲-۴. جایگزین سوم؛ بیع مرابحه

فروش کالا به بیشتر از قیمت خرید آن با اعلام بهای کالای خریداری شده را بیع مرابحه گویند. از آن در باب تجارت سخن رفته است. به‌عبارت دیگر، بیع مرابحه این است که بانک به‌جای اینکه به مشتریان خود قرض با ربا دهد تا آن‌ها لوازم شخصی و یا تجارتي خود را بخرند، خود بانک؛ لوازم مورد نیاز آن‌ها را به‌صورت نقدی می‌خرد و سپس با قیمت مدت‌دار که متضمن سود است به آن‌ها می‌فروشد؛ برای عملیاتی کردن این نظریه لازم نیست بانک انباری داشته باشد که تمام لوازم مورد نیاز مشتریان، اعم از لوازم شخصی، تجاری، تأسیساتی، صنعتی و شغلی و مانند آن در آن انبار ذخیره شود؛ زیرا بانک لوازم یاد شده را به بعد از مطالبه مشتری می‌خرد و اگر مشتری راضی نشود آنچه را بانک

برای وی تهیه کرده خریداری نماید، بانک می‌تواند کالا را به شخص دیگری بفروشد و اگر بانک در این معامله ضرر نماید، آیا زیان آن بر عهده مشتری است که خرید کالا را سفارش داده بود یا خیر؟ در پاسخ می‌توان گفت که چون خرید به امر مشتری و درخواست وی صورت گرفته، بنابراین خسارت بر ذمه اوست و به این ترتیب از به وجود آمدن مشکل انصراف مشتریان از وفای به عهدشان اجتناب می‌شود؛ زیرا وعده خرید از بانک اگر در ضمن عقد لازم شرط نشده باشد الزام‌آور نیست، اما از آنجا که بانک به دستور و درخواست مشتریان اقدام به خرید کالا نموده، در صورت بروز خسارت موجب ضمان است، چون دستور به کاری که به خودی خود دارای قیمت مالی است، چه این دستور به صورت خاص صورت گرفته باشد و یا به صورت عام، موجب ضمان است و ملاک در ضمان در باب جعاله همین امر است، زیرا ضمان در اینجا ضمان از باب غرامت و تاوان است نه از باب معاوضه. بنابراین هرگاه مشتری دستور بدهد بانک اقدام به خرید کالایی نماید که وی متعهد گردیده آن را با سود معین خریداری نماید و در چنین صورتی از خریداری آن بنا به دلایلی سر باز زند و بانک در آن مورد ضرر کند، مشتری به خاطر دستوری که داده ضامن خسارت است و می‌توان ضمانت آن را از نظر فقهی بر اساس جعاله دانست، زیرا حقیقت جعاله به دو جزء تقسیم می‌شود: یکی امر به عمل و کاری که دارای قیمت مالی است و دیگری تعیین اجرت در مقابل آن عمل. در این مقوله دستور مشتری به بانک برای خرید کالا جزء اول از جعاله را تشکیل می‌دهد و تعهد مشتری به خرید کالا از بانک با سود نسبی، جزء دوم جعاله را تشکیل می‌دهد. بر این اساس اگر مشتری از خرید کالا منصرف گردد، از یک سو ضامن اجرت‌المثل کار بانک است به خاطر عقد جعاله و از سوی دیگر به فرض وقوع خسارت مشتری ضامن خسارت است به خاطر دستور مشتری به بانک جهت خرید کالا. به عبارت دیگر برای بانک ممکن است به جای اینکه کار مشتریان را با قرض ربوی راه‌اندازی نماید، کار آن‌ها را با خرید نیازهای شخصی و اجتماعی آن‌ها از کالاهای مورد نیاز راه‌اندازی نماید؛ مانند ماشین، منزل، لوازم خانه و ابزار تأسیساتی و مانند آن؛ زیرا مشتریان هرگاه به این کالاهای نیازمند باشند، از بانک می‌خواهند تا برای خرید آن‌ها به صورت نقدی اقدام کند، آن‌گاه کالاهای یاد شده را با کمی سود (که کمتر از سود ربوی نباشد) بفروشد و به این ترتیب شایسته است که بیع مباحه جایگزین قرض ربوی گردد.

۲-۵. جایگزین چهارم؛ بیع سلم (پیش فروش)

معامله پیش‌فروش آن است که شخص جنسی را می‌فروشد و قیمت آن کالا را تحویل می‌گیرد، اما جنس را بعداً به مشتری تحویل می‌دهد؛ بنابراین به جای اینکه بانک به مشتریان خود وام را با سود

ربوی بدهد تا آن‌ها کالایی را به منظور استفاده، تجارت یا نیازهای شخصی به صورت پیش فروش خریداری نمایند، بانک خود به خرید کالاهای مورد نیاز مشتری به صورت پیش فروش اقدام می‌کند و پس از سررسید مدت و تحویل گرفتن کالا، آن کالا را به مشتریان به قیمت مؤجل با سودی معین (که کمتر از سود ربوی نیست) می‌فروشد؛ به این صورت معامله پیش فروش جای قرض ربوی را می‌گیرد و بانک برای تأمین سرمایه شرکت‌های تجاری، مؤسسه‌های صنعتی، کشاورزی و تأسیساتی با خرید تولیدات آن شرکت‌ها و مؤسسات به صورت پیش فروش اقدام می‌کند و قیمت آن‌ها را به مؤسسات به جای وام با بهره (ربا) به صورت نقدی جهت تأمین سرمایه آن‌ها می‌پردازد؛ زمانی که شرکت به بار نشست، آن وقت صاحبان شرکت به عنوان وکیل از سوی بانک، تولیدات خود را برای مشتریان خود می‌فروشند و قیمت آن را به بانک می‌دهند و به این ترتیب، خرید محصولات شرکت‌ها از مالکان شرکت توسط بانک‌ها به قیمت نقدی به صورت سلم به جای وام‌های ربایی است.

۲-۶. جایگزین پنجم؛ شرکت

شرکت عبارتست از قرار داد بین دو نفر یا بیشتر؛ لازمه شرکت این است که هر یک از افراد در یک برنامه معین تجاری، صنعتی یا کشاورزی با پرداخت مقداری از سرمایه جهت سرمایه‌گذاری به منظور سود سهم دریافت می‌کند. شرکت به جای اینکه از بانک بهره ربوی قرض بگیرد، از بانک درخواست می‌کند تا بخشی از سرمایه شرکت را تأمین کند و این بخش به عنوان یک سهم از سوی بانک به عنوان مشارکت شمرده می‌شود؛ بنابراین بانک یکی از شرکا به حساب می‌آید که در نتیجه سرمایه شرکت از مجموع سهم بانک و مشتری تکمیل می‌گردد و سهم هریک از شرکا به نسبت درصدی مشخص می‌شود و سود نیز به همان نسبت بین شرکا تقسیم می‌گردد. روشن است سودی که بانک از طریق سهام و مشارکت در شرکت‌های تجاری، صنعتی یا کشاورزی و مانند آن کسب می‌کند، کمتر از سودی نیست که از طریق اعطای وام‌های ربایی به مشتریان به دست می‌آورد. زیار بانک اقدام به مشارکت و سهم گرفتن از شرکت‌های سرمایه‌گذار به صورت اتفاقی و بدون حساب نمی‌کند، بلکه پس از بررسی میزان موفقیت و شناخت کافی از سهامداران در آن شرکت (که دارای سابقه درخشان در عرصه‌های تجارت و صنعت و مانند آن باشند) اقدام به سرمایه‌گذاری با آن‌ها می‌کند و برای بانک این امکان وجود دارد که خود مشتری را از جانب خود در اداره شرکت وکیل بگیرد و یا شخص دیگری را در اداره شرکت همراه با مشتری انتخاب کند. در هر دو صورت، وکیل مسئول و ضامن خسارت نیست مگر در صورتی که افراط و تفریط کرده باشد و مقصر شناخته شود.

۲-۷. جایگزین ششم؛ تبدیل قرض به بیع

تبدیل قرض به بیع به این صورت است که بانک به جای اینکه مثلاً ۱۰۰ دینار را به مشتری خود به ۱۱۰ دینار تا ۶ ماه وام (قرض) دهد، ۱۰۰ دینار را به ۱۱۰ دینار به مشتری تا ۶ ماه می‌فروشد و این، ربا نیست.

توضیح این مطلب اینکه پول (اسکناس امروزی) چون از جنس طلا و نقره نیست، جانشین طلا و نقره هم نیست تا حکم طلا و نقره را داشته باشد و از مکیل و موزون هم نیست تا مساوات بین ثمن و مثن در آن‌ها معتبر باشد، در حالی که در معامله طلا به طلا و نقره به نقره مساوات بین ثمن و مثن معتبر است؛ بنابراین هیچ مانعی وجود ندارد که اسکناس‌ها را به بیشتر از آن در ذمه به صورت مؤجل بفروشد. به این صورت که شخص ۲۰ دینار خارجی را مثلاً به ۲۵ دینار کلی در ذمه به صورت مدت‌دار تا ۳ ماه بفروشد.

خلاصه این مطالب اینکه در مورد صحت بیع پول مشخص به پول کلی از همان پول در ذمه هیچ منعی وجود ندارد، مانند فروش ۱۰۰۰ دینار نقد مثلاً به ۱۰۵۰ دینار ذمه، تا وقت معین و یا مثلاً فروش ۸ دینار به ۱۰ دینار تا ۳ ماه. در اینجا به آن، عنوان قرض صدق نمی‌کند زیرا یکی از آن‌دو ثمن و دیگری مثن لحاظ شده و معاوضه بین آن‌دو قصد شده است و بر این معاوضه بجز عنوان بیع، عنوان دیگری مانند قرض و امثال آن صدق نمی‌کند. بنابراین برای بانک و مشتری این امکان وجود دارد که قرض را در بانک به بیع تبدیل سازند و به این ترتیب از سیستم سنتی ربوی رهایی یابند.

۳. نتیجه‌گیری

عملیاتی کردن این جایگزین‌ها به صورت عملی، وابسته به چند عامل است که یکی از آن‌ها عامل نفسی و درونی است. مسلمانان به حکم ضرورت تبعیت آن‌ها از دین اسلام و مسئولیت آن‌ها در برابر خداوند متعال ملزم هستند تا این جایگزین‌ها را در راستای بانکداری اسلامی به جای نظام سنتی ربوی که به ضرورت شرعی حرام شمرده شده است به کار گیرند.

عملیاتی کردن این جایگزین‌ها به صورت عملی در نظام بانکداری بدون ربا به جای نظام سنتی ربوی در بانک‌ها بر اصالت فکری مسلمانان و قانون مستقل آن‌ها که برگرفته از کتاب و سنت است دلالت می‌کند و از سوی دیگر این جایگزین‌ها بر نظام اقتصادی اسلامی در حدود دایره شرع دلالت دارد. نقش این جایگزین‌ها در حرکت‌های تجاری، صنعتی و کشاورزی کمتر از نقش قرض‌های ربایی نیست.

منابع

- آیت ا... صافی گلپایگانی (۱۳۷۱)، *قرض و عملیات بانکی*، ترجمه ضیائی، مؤسسه عالی بانکداری، تهران، ۱۳۷۱.
- آیت ا... مکارم شیرازی (۱۳۸۰)، "کتاب ربا و بانکداری اسلامی"، تنظیم: ابوالقاسم علیان نژادی، نشر مدرسه الامام علی بن ابی طالب علیه السلام، قم، چاپ اول، سال ۱۳۸۰.
- استفتائات امام خمینی (ره)، "معاملات بانکی؛ بهره بانکی"، مطابق نظر امام خمینی قدس سره، پورتال انهار، پرسش‌های قسمت معاملات بانکی، صص ۱۴۸-۱.
- پایگاه اینترنتی مقام معظم رهبری، "مسئله پرداخت وام در صورت سپرده‌گذاری"، پورتال انهار، پرسش‌های قسمت احکام بانک‌ها، شماره‌های ۱۹۲۰-۱۹۱۲.
- پایگاه اینترنتی مقام معظم رهبری، "گرفتن کارمزد در صندوق‌های قرض‌الحسنه"، پورتال انهار، پرسش‌های قسمت احکام بانک‌ها، شماره‌های ۱۹۴۴-۱۹۲۰.
- دفتر همکاری حوزه و دانشگاه (۱۳۷۱) "پول در اقتصاد اسلامی"، تهران: سمت، ۱۳۷۱.
- فیاض، محمد اسحاق (۱۳۹۲) *بانک از نگاه اسلام*، ترجمه محمدجواد برهانی، دبیرخانه کنگره بزرگداشت از مقام علمی آیت‌العظمی فیاض (دام‌ظله)، چاپ سوم، سال ۱۳۹۲.
- موسویان، سیدعباس (۱۳۷۶)، *پس انداز و سرمایه‌گذاری در اقتصاد اسلامی*، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، تهران.
- موسویان، سیدعباس (۱۳۸۴) "بررسی راهکارهای حل مشکل تأخیر تأدیه در بانکداری بدون ربا (۲۱)"، *فصلنامه فقه و حقوق*، شماره ۸.